

حذف مجازات سالب حیات از قوانین کیفری ایران

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

هادی متولی^۱عسل عظیمیان^۲محمد روحانی مقدم^۳

چکیده

مجازات سلب حیات یکی از خشن‌ترین جرائم در طول تاریخ بشریت بوده است ولی به مرور زمان بسیاری از کشورهای جهان این نوع مجازات را کنار گذاشته و حتی در اصولی از اعلامیه حقوق بشر این نوع مجازات نکوهیده و مخالف حقوق بشر قلمداد می‌شود. در اکثر کشورها به جای مجازات‌های سنگینی مانند اعدام از ضمانت اجراهای دیگری بهره می‌برند و از آن مهم‌تر اینکه راه‌هایی جهت پیشگیری از جرائم ضد بشری پیش می‌گیرند. متأسفانه در قوانین کشور ما مجازات‌هایی همچون اعدام، رجم و ... از جمله جرائم سالب حیاتی هستند که نشأت گرفته از فقه بوده اما با دنیای امروز سازگاری چندانی ندارند هدف از انجام این مقاله تعدیل و کاهش ضمانت اجراهایی سنگین مانند اعدام است و درعین‌حال فرهنگ‌سازی و جایگزین‌های مناسب در راه اصلاح فرد، جامعه و گسترش امنیت جامعه و در این راه کوشش می‌شود تا با بررسی مکاتب، قوانین و دیدگاه محققان، جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان راه‌حل مناسب را برگزید.

کلیدواژه: اعدام، سالب حیات، قوانین کیفری؛ مجازات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی اکتراى قه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایرللا

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، لاه، ایران (نولاسنده مسد لا)
^۳ عضو لایات‌عممی گ قه و قف مبانی حقوق اسق‌می، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

مقدمه

حق حیات طبیعی‌ترین و اولین حقی است که همه‌ی موجودات زنده، به شرط این‌که عامل اخلال حیات دیگر جانداران نباشند، از آن برخوردارند. به همین علت، یکی از حقوقی که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر برای تمام انسان‌ها قائل شده‌اند، حق حیات است.

اما در مواردی قانون‌گذار برای ارتکاب برخی از جرم‌ها، حیات مجرم را سلب می‌کند. مصادیق سلب حیات را می‌توان اعدام و قصاص دانست. در طی دهه‌های اخیر مجازات‌های سالب حیات با انتقادات شدیدی از طرف صاحب‌نظران جرم‌شناس مطرح شده است و در نتیجه این انتقادات اعدام در بیشتر کشورهای غربی حفظ یا به حالت تعلیق درآمده است؛ اما در کشورهای اسلامی به این دلیل که این مجازات‌ها مورد تأکید شرع قرار گرفته است، کماکان این مجازات‌ها در قوانین جزایی کشورهای اسلامی مخصوصاً کشور ایران دیده می‌شود.

اعدام سنگین‌ترین مجازاتی است که در نظام‌های حقوقی پیش‌بینی شده است و حق حیات را از مجرم سلب می‌کند، به همین دلیل، برای سنگین‌ترین مجازات‌ها استفاده می‌شود.

سلب حیات از هیچ انسانی بدون مجوز قانونی و شرعی و بدون رعایت تشریفات قانونی امکان‌پذیر نیست. حتی در موادی از قانون مجازات اسلامی تأکید شده است که اولیاء دم مقتول هم برای قصاص قاتل باید اذن حاکم را داشته باشند و خودسرانه نمی‌توانند مجازات قصاص را اجرا نمایند که در غیر این صورت خود به مجازات محکوم خواهند شد. صیانت و حمایت از جان و زندگی افراد یکی از وظایف اصلی حکومت‌هاست و بقای هر جامعه و تمام اساس امنیت ملی و بین‌المللی بر آن استوار است. در این مقاله به بررسی مجازات سالب بر حیات بررسی نظریات موافقین و مخالفین و دیدگاه فقها پرداخته شده است.

بیان مساله

(آملی، ۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان حتمیت و قطعیت مجازات اعدام در بازدارندگی از قاچاق مواد مخدر اذعان دارد که مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن متأسفانه غم‌انگیزترین تراژدی نسل حاضر است، این پدیده استعماری ارمغان تاریک استعمار می‌باشد و می‌توان از آن به‌عنوان یک معضل اجتماعی و نابهنجاری استعماری یاد کرد. پدیده اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به‌صورت یک مشکل بزرگ و پراهمیت برای بسیاری از کشورهای جهان درآمده، زمامداران، مجالس قانون‌گذاری و دستگاه دادگستری همه کشورها را به چاره‌اندیشی در برخورد با این مشکل پیچیده واداشته است. بزه ماده مخدر مخرب‌ترین عامل برای روح و روان بشری است. این پدیده ویرانگر علاوه بر اشخاص معتاد و آلوده به مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن خانواده‌ها و جامعه را نیز درگیر کرده و به انحطاط می‌کشاند. مسئله مواد مخدر و استعمال آن در تمام کشورها پیشینه تاریخی دارد اما آنچه این پدیده را به‌عنوان بلایی جهانی، تهدیدکننده امنیت ملی و بین‌المللی و عامل تأثیرگذار بر سلامت فکری جسمی و اخلاقی انسان‌ها تبدیل کرده قاچاق بین‌المللی آن است.

(بتول سلیمانی، ۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان بررسی مجازات اعدام در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، به بررسی این موضوع می‌پردازد که اعدام سلب حیات از مجرم است و از آنجا که می‌تواند از جهاتی با اصل

سوم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در تضاد قرار بگیرد، در اکثر کشورها سال‌هاست که از شمار قوانین کیفری خارج شده و به‌عنوان آخرین ضمانت اجرا در نظر گرفته می‌شود. اکثر جوامع، زمانی به حذف فیزیکی مجرم می‌اندیشند که راه‌حل دیگری برای جبران خسارت وارد به پیکر افراد و یا اجتماع نیابند. ایشان هدف از این تحقیق را، تعدیل قوانین کیفری، اصلاح فرد و جامعه، ارتقاء سطح امنیت اجتماعی، کارآمدتر شدن مجازات‌ها در بهبود وضع جامعه و افزایش نقش بازدارندگی مجازات اعدام در پیشگیری از جرم می‌داند که با مطالعه قوانین کیفری ایران و مقایسه‌ی آن‌ها با دیدگاه‌های فقهای شیعه کوشش کرده است موارد تفاوت میان قوانین با فتاوی‌ی مشهور فقها را مورد بررسی و علت‌یابی قرار دهد.

مفاهیم

جرم

جرم از نظر لغوی و اصطلاحی و حقوقی معانی متفاوتی دارد که باید به بررسی هرکدام از آن‌ها پرداخته شود.

مفهوم لغوی جرم

جرم در لغت به معنای گناه، خطا و بزه به کار می‌رود، در معنای گناه نیز به کار بد، بزه، عمل زشت، نافرمانی، معصیت و جرم اشاره شده است. در فرهنگ دهخدا جرم به معنی گناه و تعدی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵).

اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است و برای هر کسب‌وکار زشت و مکروه، استعاره شده است و به معنی وادار کردن به کار ناپسند نیز اطلاق شده است.

در ادبیات نیز بیشتر در معنای اول، یعنی گناه مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص که معنای جرم و گناه یکی است و یا متفاوت در جای خود بحث خواهد شد.

جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آن را منع کرده است؛ به عبارت دیگر افعال و اقدامی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند.

به‌طوری‌که در آیه دوازدهم سوره مائده «یجرمنکم» به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه چهل و هشتم از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند.

همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرائم مشمول قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهاد نمود (ولیدی، ۱۳۸۹: ۲-۱۳).

مفهوم اصطلاحی جرم

کنش‌های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به‌موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد جرم نام دارد و از نظر جامعه‌شناسان جرم عملی است مخالف منافع انسانی جامعه، اعم از این‌که مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته یا نگرفته باشد.

دورکیم جامعه‌شناس مشهور فرانسه درباره جرم چنین می‌گوید: «ما می‌توانیم وجود یک سلسله از عملیات را اثبات کنیم که اجتماع علیه آن‌ها واکنشی به‌صورت مجازات نشان می‌دهد از این سلسله عملیات گروهی می‌توان چیزی درست کرد و به آن تعریف مشترکی بنام جرم داد».

مفهوم جرم از دیدگاه حقوقدانان و صاحب‌نظران

در قلمرو علوم جزایی و جرم‌شناسی، یعنی در محدوده علمی که به مطالعه کنش‌های مخالف نظم اجتماعی می‌پردازند و یا کنش‌های اجتماعی را بررسی می‌کنند، شناخت جرم در جرم‌شناسی از شناخت جرم در حقوق جزا تفکیک می‌شود (نوربها، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

از این‌رو جرم مفهومی است، چندوجهی و سؤال‌برانگیز برای هر اندیشمند و صاحب‌نظرانی که در حوزه علوم انسانی به تحقیق و مطالعه می‌پردازد. برای ارائه تعریف پاسخ به این پرسش که جرم چیست؟ بسیاری از صاحب‌نظران را به فکر و تأمل واداشته است. برای ارائه تعریفی از جرم ما به‌ناچار با دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف فلسفی، حقوقی، دینی، جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی و غیره روبه‌رو هستیم، چراکه عالمان هر یک از علوم مذکور با به‌کارگیری پیش‌فرض‌های ذهنی مرتبط با حیطه تجربی و عملی کار خود، این واژه را تبیین و تفسیر و تعریف کرده‌اند. از این‌رو تعریف جامع و دقیق از جرم دادن کاری سخت و مشکل است. مجازات

یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی هر جامعه، نظام جزایی آن است که قوانین و مقررات کیفری را در خود جا داده است. هر جامعه‌ای از بدو پیدایش، برای افراد خود حقوق و امتیازاتی پیش‌بینی نموده، همگان را ملزم به رعایت آن‌ها کرده است. یکی از این حقوق و امتیازات این است که هیچ‌کس حق ندارد به آن‌ها آسیبی وارد نماید. ولی چنین نیست که همه افراد همواره حقوق دیگران را محترم انگارند و متعرض به افراد دیگر نشوند. حال اگر چنین اتفاقی افتد و به حق خود قانع نباشد و به حقوق دیگران تجاوز نماید، نظم و امنیت جامعه و فرد از بین خواهد رفت و جامعه ناگزیر به آن واکنش نشان خواهد داد؛ و با کیفر مجازات مرتکبین به آن عمل پایان می‌دهد؛ بنابراین مجازات مجرمان یکی از عموماً حفظ نظم و امنیت جامعه است. از این‌روست که از بدو پیدایش جوامع، نظام کیفری یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه‌ای بوده است (قربان‌نیا، بی‌تا: ۴۱۶).

آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در تعریف مجازات می‌نویسد: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود». مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخصه حقیقی مجازات می‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۲۲: ۱). در واقع مجازات واکنش جامعه و سیستم حقوقی به انجام عملی مغایر با قانون است. اصول حاکم بر مجازات عبارت است از:

۱. باید قانونی باشند.

۲. شخصی باشند (فقط مرتکب، مجازات شود). مگر استثناً مسئولیت عاقله (مسئولیت ناشی از فعل غیر) که تعریف مختصری ارائه می‌کنیم؛ مسئولیت عاقله حکم قراردادی اجتماعی را در میان قبایل پیش از اسلام داشته که پس از اسلام هم ابقا شده است. به این معنا که اقوام و قبیله فرد نیز مسئول اعمال و جرائم او هستند که به نظر می‌رسد در دنیای امروز نیاز به کمی تجدیدنظر دارد. این مسئولیت در جنایات خطای محض و قتل مطرح می‌شود. برای مثال:

۳. «... در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد...».

معنای لغوی مجازات

اهل لغت مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی نموده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۸: ۴۲۲-۴۲۳).

معنای اصطلاحی مجازات

حقوقدانان مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می‌کند را مجازات یا کیفر نامیده‌اند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۳: ۶۱). آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در تعریف مجازات می‌نویسد: مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که نقش حقیقی مجازات می‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۵۲: ۱).

چه آن‌که در جامعه متشکل از انسان‌ها، به علت تعرض به منافع یکدیگر، وقوع جرم امری بدیهی و مسلم است و چون وقوع جرم وجدان آدمیان را جریحه‌دار می‌کند، جامعه نسبت به آن واکنش شدیدی نشان می‌دهد و مجرمان و متخلفان را مجازات می‌نماید. در ادیان الهی نیز مجازات مجرمان و متخلفان از مقررات امری و الزامی است و مورد توجه قرار گرفته است. همچنان که می‌توان اظهار نمود مجازات در جوامع استبدادی با ظلم و ستم همراه است، مجازات در یک جامعه آزاد و متمدن می‌تواند نشانه حاکمیت قانون و ارزش‌ها باشد.

در قانون مجازات اسلامی تعریفی از مجازات نشده است و تنها انواع مجازات بیان شده است و همچنین تعریفی از جرم ارائه شده است.

در اسلام نیز مجازات‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: یکی مجازات مقدر و دیگری غیر مقدر. تفاوت آن دو در این است که در مجازات‌های مقدر، مقدار، نوع و یا حتی در برخی موارد، نحوه اجرای آن مجازات از سوی شارع مقدس تعیین و معرفی شده است، اما مجازات‌های غیر مقدر، در برابر آن، یعنی غیر معین است.

مسلم می‌نماید که کیفر و مجازات در ازای وقوع جرم در نظر گرفته می‌شود و بنابر تعاریفی که علما ارائه داده‌اند، برای حراست از مصالح ضروری انسان و مصون ماندن آن مصالح از هرگونه تعدی و تجاوز، باید قوانین و قواعدی باشد تا با اجرای آن‌ها مصالح انسانی محفوظ بماند. مصالح ضروری انسان به اصول پنج‌گانه‌ای برمی‌گردد که عبارت‌اند از:

۱. حفظ دین؛
۲. حفظ نفس؛
۳. حفظ عقل؛
۴. حفظ نسل؛
۵. حفظ مال.

جرائم را به اعتبار مجازات معین شده در شرع اسلام به چهار دسته تقسیم می‌کند:

الف. جرائمی که مجازات آن‌ها حد است.

ب. جرائمی که مجازات آن‌ها قصاص به شمار می‌رود.

ج. جرائمی که مجازات آن‌ها دیه است.

د. جرائمی که مجازات آن‌ها تعزیر خوانده می‌شود.

از نظر فلاسفه مجازات مشقتی است که جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه و اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می‌کند (سمیعی، ۱۳۲۵: ۱۲۴).

فلسفه تشریح مجازات در مکتب اسلام همچون سایر ادیان الهی موجب تهذیب نفوس و تربیت افراد بیان شده است (الصابونی، ۱۹۸۶: ۱۸).

اعدام

سابقه مجازات اعدام به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد. زمانی بسیار کهن پیش از نخستین کوشش‌های معقول برای پیدا کردن قانون. اعدام اساساً یک مجازات غیرعقلانی است و هرچه هم حقوق‌دانان و اهل سیاست در طول تاریخ کوشیده باشند توجیه عقلانی برای آن بتراشند، به جایی نرسیده‌اند.

مجازات اعدام از دیرباز و حتی پیش از اسلام یکی از شدیدترین مجازات‌ها به شمار می‌رفته و در دوران‌های مختلف تاریخی و ادیان آسمانی دیگر مطرح بوده است. اولین و قدیمی‌ترین قانونی که مجازات اعدام در آن وجود داشته است، قانون منسوب به حمورابی، ششمین و بزرگ‌ترین پادشاه بابل بود. در قانون حمورابی موارد فراوانی از مجازات‌های خشن از جمله مجازات اعدام به چشم می‌خورد. پس از آن کیفر اعدام به تدریج در قوانین کشورهای مختلف راه یافت. توجه به کیفرهای سالب حیات سابقه‌ی دیرینه دارد. در این راستا، از اواسط قرن هیجدهم میلادی در اروپا آثار ارزشمندی هم چون روح القوانين اثر شارل دو مونتسکیو، قرارداد اجتماعی اثر ژان ژاک روسو و گزارش سازمان ملل متحد درباره مجازات اعدام اثر مارک آنسل، در این زمینه نگاشته شده است.

اعدام یک مجازات سخت و بی‌بازگشت است و این با اصلاح و بازپروری مجرم که از مهم‌ترین اهداف علم جرم‌شناسی دنیای امروز است، تعارض دارد. تلاش‌های زیادی برای الغای این مجازات چه از سوی دولت‌ها و چه از سوی سازمان‌های غیردولتی صورت گرفته است. امروزه اکثر کشورهای دنیا مجازات اعدام را لغو کرده‌اند این امر نشان‌گر این است که علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای الغای اعدام این روند نتوانسته در امحای کامل آن کیفر موفقیت‌آمیز باشد. در راستای این تلاش‌ها این فقط دولت‌ها نیستند که عمل می‌کنند بلکه نقش مهم‌تر را سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ایفا می‌کنند چراکه شاکله‌ی وجودی آن‌ها مبتنی بر استقلال از دولت‌هاست و همچون سپری جلوی فعالیت‌های نابه‌جای دولت‌ها را می‌گیرند و به اصلاح سیاست‌های دولت‌ها کمک می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی زیادی در عرصه لغو مجازات اعدام تلاش می‌کنند اما مهم‌ترین سازمان در این زمینه عفو بین‌الملل است که در راستای هدف برقراری عدالت و دفاع از پایمال شدن حقوق انسان‌ها فعالیت می‌کند. افزایش اعضای این سازمان در ده سال اخیر باعث شد تا فعالیت‌های این سازمان نیز گسترده شود؛ اما از آنجا که قوانین داخلی برخی کشورها امکان لغو مجازات اعدام را میسر نمی‌سازد نیازمند حمایت همه‌جانبه دولت‌ها هستیم (رضایی، ۱۳۹۶: ۷).

معنای لغوی اعدام

اعدام واژه‌ای عربی است از ریشه «ع ی دم» در لغت به معنای از بین بردن، کشتن و نیز هلاک کردن آمده است (فراهیدی، بی‌تا، ۲: ۵۶).

معنای اصطلاحی و حقوقی اعدام

اعدام در اصطلاح عبارت است از مجازات مرگ برای ارتکاب جرم‌هایی خاص که از سوی دادگاه یا مراجع دیگر صادر می‌شود (شاملو احمدی، ۱۳۸۱: ۵۸). مجازات اعدام یا مجازات مرگ روشی قانونی است که

توسط آن دولت، زندگی فردی را به علت انجام یک جرم سلب می‌کند. جرائمی که موجب اعمال مجازات مرگ می‌شود به‌عنوان جنایات یا جرائم مهم شناخته می‌شوند. اعدام نوعی کیفر و مجازات و به‌عبارتی دیگر، اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش‌بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و براساس حکم دادگاه عمومی جنایی نظامی و ... زندگی یک انسان سلب می‌شود. مجازات اعدام در یک تقسیم‌بندی از اقسام مجازات‌ها در شمار مجازات‌های بدنی قرار می‌گیرد که منجر به سلب حیات فرد مجرم می‌شود.

از نظر حقوق کیفری اسلام، اعدام بر سه قسم است:

اعدام قصاصی: این اعدام در قبال قتل عمد اجرا می‌شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن به‌قدری پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می‌کند و اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل در آن مؤثر است.

اعدام حدی: با توجه به تعاریف فقها از «حد»،^۱ اعدام حدی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی‌توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد» (گیاگانی، ۱: ۱۸). اعدام حدی بر طبق یک تقسیم‌بندی، (شمس‌ناتری، ۱۳۷۸: ۸۴) دارای انواع ذیل است:

- الف. جرائم جنسی: شامل زنا (زناى محصنه یا با محارم یا به عنف و یا غیرمسلمان با زن مسلمان) و لواط؛
- ب. جرائم علیه دین و امنیت اجتماعی: شامل محاربه و افساد فی الارض؛
- ج. جرائم تکرار جرم: همچون تکرار سه بار زنا که برای بار چهارم، حد اعدام جاری می‌شود^۲ (امام خمینی، ۲: ۴۶۴).

اعدام در معنای حقوقی خود عبارت است از: سخت‌ترین و شدیدترین نوع مجازات که توسط قانون‌گذار وضع و مقرر گردیده و به‌موجب آن حیات مجرم به‌طورکلی سلب گردیده و از ادامه زندگی محروم می‌شود. در قانون مجازات عمومی سابق قانون‌گذار در ماده ۷ جرم را از لحاظ شدت و ضعف به سه دسته تقسیم می‌کرد: ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف^۳ (و برای هر یک از جرائم مورد اشاره در مواد ۸ الی ۱۲ قانون). ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۷ (سابق): جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف و برای هر یک از جرائم مورد اشاره در مواد ۸ الی ۱۲ قانون مذکور

۱- «و قال الشهيد الثاني:.... و شرعا عقوبه خاصه تتعلق بايلاام البدن بواسطه تلبس المكلف بمعصيه خاصه عين الشارع كميتها في جميع افراده و قال السيد: و شرعا عقوبه خاصه تتعلق بايلاام بدن المكلف بواسطه تلبسه بمعصيه خاصه عين الشارع كميتها في جميع افراده. انتهى. فترى أنهم نصوا على أن الحد هو نفس العقوبه. و ظهر ايضا من تقيدهم الايلاام بكونه متعلقا ببدن المكلف أن الايلاامات الروحيه و السب واللعن والحبس و التعريم و اخذ المال من احد ليس من باب الحد، والأ فقد جعل الشارع على ارتكاب بعض المعاصي الكفاره المعينه كاطعام ستين مسكينا مثلاً. و قولهم: تتعلق بايلاام البدن انتهى لخروج مثل السجن و التعريم و ما اشبه ذلك مما يتعلق بالمكلف و لكن لا يكون من باب ايلاام بدنه. و قولهم: قد عين الشارع كميتها قيد لاخراج التعزيرات فلا بد في الحد من ان تكون العقوبه المذكوره معينه على لسان الشرع القويم. و اما التعزير فهو في اللغة: التأديب، و في الشرع: عقوبه لا تقدير لها شرعا، و أما امره موكول إلى نظر الحاكم بحسب ما يراه من المصلحه».

۲- «لو تكرر من الحر غير المحصن ولو كان امرأة فأقيم عليه الحد ثلاث مرات قتل في الرابعه، و قيل: قتل في الثالثه، بعد إقامه الحد مرتين، و هو غير مرضى».

۳- ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۷ (سابق): جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱- جنایت. ۲- جنحه. ۳- خلاف

مجازات‌هایی را تعیین کرد؛^۱ اما قانون‌گذار در سال ۱۳۶۱ در قانون راجع به مجازات اسلامی در ماده ۷ قانون مذکور از حالت سابق عدول کرده و مجازات‌ها را حسب نوع جرائم به چهار دسته، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات تقسیم کرد و محوریت را از جرم محوری به مجازات محوری تغییر داد و از ماده ۸ تا ۱۱ به تعریف هریک از این چهار مجازات پرداخت و در سال ۱۳۷۰ در اصلاح و بازنگری که در قانون مجازات اسلامی صورت گرفت در ماده ۱۲ مجازات‌های بازدارنده نیز به چهار مجازات قبلی اضافه شد. و در نهایت در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی جرائم را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

الف- حد ب- قصاص پ- دیه ت- تعزیر (اعم از شرعی و غیرشرعی).^۲

مجازات سالب حیات

برای تشخیص حق از حکم از سوی صاحب‌نظران اسلامی ملاک‌ها و ضوابط مختلفی ارائه شده برخی عقیده دارند برای تشخیص باید به آثار آن توجه کرد چنانچه این آثار قابل نقل و انتقال باشد این سلطه و توانایی حق است و در غیر این صورت حکم است و برای تشخیص علاوه بر معیار فوق باید به امر دیگر که همان مفاد ادله است توجه کرد چون حق و حکم هر دو نتیجه ادله شرعی و قانونی است گاهی ادله بیانگر این معنی است که اراده شخص در نتیجه حاصل از آن‌ها تأثیری ندارد و در این صورت این نتیجه حکم است و در غیر این صورت حق است. از دیگر تفاوت‌های میان حق و حکم این است که حق قابل معاوضه است درحالی که حکم قابل معاوضه نیست. حق قابل اسقاط است ولی حکم این چنین نیست. حق قابل انتقال به دیگران است ولی حکم قابل انتقال نیست.

قصاص از شئون و اختیارات من له الحق است و شارع مقدس در قصاص حکم به جواز آن نکرده بلکه جعل سلطنت از برای صاحبان حق کرده است لذا می‌توان گفت که قصاص از مصادیق حق است و قصاص یک حق غیرمالی است چون با اجرای آن نفع مادی و قابلیت تقویم به پول برای اولیای دم از بین می‌رود و حقی است که قابل اسقاط است و از حق الناس است (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۷).

ولی این امر در مورد سایر مجازات‌های سالب حیات از جمله محاربه و افساد فی الارض مصداق ندارد و این جرائم به دلیل غیرقابل گذشت بودن در زمره‌ی احکام جای گرفته‌اند و تصمیم در مورد اجرای آن‌ها به حکومت واگذار شده است.

عناصر مهم مجازات

^۱ ماده ۸ - مجازات‌های اصلی جنایت به قرار زیر است: ۱- اعدام. ۲- حبس دائم. ۳- حبس جنایی درجه یک از سه سال تا

۱۵ سال. ۴- حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال

^۲ ماده ۱۴- مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف- حد

ب- قصاص

پ- دیه

ت- تعزیر

تبصره- چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.

برخی از علما و حقوق‌دانان، (مصلاحي، ۱۳۸۱: ۱۵۳) برای کیفر در فقه و حقوق اسلامی عناصر و اوصافی را برشمرده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

قانونی بودن کیفر

مجازات باید قبل از وقوع جرم در قانون بیان شده باشد، چراکه مجرم باید از مجرمانه بودن عمل خویش آگاهی و اطلاع داشته باشد. لذا قانونی بودن کیفر و مجازات به‌منزله انذار تلقی می‌شود. این مسئله یعنی اصل قانونی بودن مجازات از مهم‌ترین اصول قانون‌گذاری اسلام محسوب می‌شود.

عطف نشدن به ماسبق قوانین کیفری

منطقی و عقلایی آن است که اگر عملی، طبق قانون جرم به شمار می‌آید و برای آن کیفری در نظر گرفته می‌شود، کسی را به دلیل ارتکاب آن عمل قبل از قانونی شدن مجازات آن، کیفر نمی‌دهند؛ به عبارت دیگر، نه تنها کیفر باید قانونی باشد، کیفر و مجازات هم از زمانی اجرا خواهد شد که به‌صورت قانون درآید. آیه ۱۳۴ از سوره طه نیز بر همین نکته تأکید دارد، چراکه می‌فرماید:

(ولو أنا أهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فتتبع آیاتک من قبل أن نزل ونخزی)؛ و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر، آن‌ها (کافران) را با نزول عذاب هلاک می‌کردیم، البته آن‌ها می‌گفتند: پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از او پیروی کنیم که این ذلت و خواری بر ما پیش نیاید. در واقع، قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان نیز همین مطلب را حکایت می‌کند.

شخصی بودن کیفر

مفهوم این وصف آن است که کیفر باید فقط در مورد مجرم به مورد اجرا درآید و کسی را نباید به جرم دیگری مجازات کرد و کیفر داد؛ همان‌طور که در روز رستاخیز از هیچ فردی درباره کارهای دیگران سؤال نمی‌شود. وقتی سؤال نشود یعنی کیفری هم در پی نخواهد بود، چراکه خداوند می‌فرماید: (ألا تزر وازرة وزر أخرى)؛ هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد گرفت.

برابری همه در مقابل کیفر

این ویژگی از عناصر جوهری کیفر، در قوانین کیفری است که اگر همه افراد جامعه، مرتکب جرمی شدند، به مجازات همان جرم محکوم می‌شوند و همه در مقابل قانون مساوی‌اند؛ یعنی تفاوت طبقاتی و اجتماعی، تأثیری در محکوم شدن مجرم و نوع محکومیت ندارد.

تناسب مجازات با اهمیت و درجه جرم ارتكابی

مجازات از نظر سبکی، سنگینی، شدت و ضعف باید متناسب و هماهنگ با جرمی باشد که مجرم، مرتکب آن شده است.

علاوه بر این ویژگی‌هایی که بیان شد، حقوق‌دانان، فلسفه کیفر و مجازات را در شریعت و قانون، دو امر برشمرده‌اند:

یکی آن‌که کیفر دردآور باشد تا به اصلاح مجرم منتهی شود؛

دوم آن‌که دیگران را از ارتکاب به آن جرم بازدارد. به‌عبارت‌دیگر، زاجریت و مانعیت شخصی و عمومی داشته باشد.

بنابر قاعده، بین کیفر و جرم، رابطه ناگسستگی وجود دارد، به طوری که مجازات را در جایی محقق و ثابت می‌دانند که جرمی واقع شود و از طرف دیگر، جرم را به فعل یا ترک فعلی نسبت می‌دهند که در قانون برای آن مجازاتی تعریف شده باشد؛ همان‌طور که در ماده دوم قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم آمده است:

(هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.)

البته باید گفت که قطعاً مجازات نتیجه وقوع جرم است؛ به عبارت دیگر، تا جرمی واقع و ثابت نشود، مجازاتی را در پی نخواهد داشت؛ ضمن این‌که تعریف آمده در قانون مجازات اسلامی، جرم را از منظر این قانون تعریف کرده است. چه بسا برخی از جرائم که قانون برای آن مجازاتی در نظر نگرفته باشد و به تکمیل این ناقصه نیاز باشد. برای همین، به اعتقاد ما جرم می‌تواند تعریفی عام‌تر از آنچه بیان شده، داشته باشد.

دکتر گلدوزیان در کتاب بایسته‌های حقوق جزای عمومی می‌نویسد:

(برای آن‌که رفتار انسان جرم تلقی شود، وجود سه عنصر لازم است:

۱. عنصر قانونی؛ یعنی وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد.
 ۲. عنصر معنوی؛ بدین معنی که رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.
 ۳. عنصر مادی، شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه.
- عناصر سه‌گانه جرم (قانونی، مادی و معنوی) جنبه عمومی دارند و وجود آن‌ها در کلیه جرائم الزامی است) (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

ضرورت مجازات از دیدگاه اسلام

در هر جامعه‌ای حقوق ویژه‌ای برای افراد آن در نظر می‌گیرند، مانند حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از امنیت، حق مالکیت و ده‌ها حقوق دیگر که برپایی نظام آن اجتماع و حیات آن، منوط به رعایت آن حقوق است؛ و اگر اجازه نقض آن حقوق داده شود، دیگر نظم و تعادل جامعه از دست‌رفته و حقوق فردی و اجتماعی افراد پایمال می‌شود.

بر این اساس در همه جوامع حتی جوامع بدوی برای حفظ نظم و ثبات جامعه، بر اجرای یک سلسله مقررات پافشاری می‌کردند تا در پرتو اجرای آن، نظم و تعادل جامعه تأمین شود.

در این راستا، مجازات مجرم توجیه پیدا می‌کند و مجازات او در راستای ترجیح مصالح عالی‌تر جامعه بر مصالح افراد قرار می‌گیرد؛ زیرا انسان‌های دیگری که در جامعه زندگی می‌کنند نیز دارای کرامت هستند و ما نمی‌توانیم به صرف حفظ کرامت یک فرد به او اجازه دهیم به دلخواه عمل کند و در این میان متعرض حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و سایر حقوق افراد شود که خود از ویژگی‌های کرامت سایر انسان‌ها است. همان‌طوری که برخورداری انسان از اختیار و قدرت انجام عمل، از ویژگی‌های ممتاز اوست، اما انجام عمل از روی اختیار، انسان را در قبال آن مسئول می‌سازد و باید پاسخگوی اعمال خود باشد.

در حقوق جزاء به‌منظور دفاع از نظم عمومی، حفظ ارزش‌ها و حمایت از افراد و حقوق آن‌ها، واکنش‌هایی را در نظر می‌گیرند و وظیفه اعمال مجازات‌ها را در مقابل کسانی که به حقوق عمومی تعرض می‌کنند بر عهده حکومت‌ها می‌گذارند.

وقتی که مبنای مجازات در اسلام را رحمت به انسان‌ها، تأمین مصلحت ایشان و دفع مفسده از آنان دانستیم، اصولی اساسی بر آن مترتب می‌گردد که لزوماً باید در مجازات‌های اسلامی رعایت شود تا هدف اساسی آن تحقق یابد. در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اصل اول: رعایت تناسب بین جرم و مجازات: این اصل در حقیقت از نتایج عدالت پروردگار است. افزون بر این، مجازات براساس ضرورت تشریح گردیده و خلاف اصل تلقی می‌گردد. بنابراین، در اعمال آن باید به قدر لازم اکتفا گردد و تناسب مجازات و جرم باید مدنظر قرار گیرد.

اصل دوم: چنان‌که گفتیم در مجازات، به مصلحت جامعه توجه شده است. بنابراین، آنگاه که جرمی انجام شد، باید مجازات به گونه‌ای باشد که مجرم را تأدیپ کند و دیگران را از ارتکاب جرم بازدارد. به عنوان نمونه به جهت اهمیتی که اسلام برای انسان و شخصیت او قائل است کشتن نابه‌حق یک انسان را به منزله کشتن تمامی انسان‌ها تلقی نموده است.

«من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً» (مائده: ۳۲)؛ و برای بازداشتن انسان‌ها از ارتکاب قتل، حق قصاص را جعل فرموده است.

اصل سوم: چون هدف از مجازات تأمین مصلحت جامعه است، به اقتضای مصلحت می‌تواند شدت و ضعف یابد و هرگاه مصلحت جامعه مقتضی اعمال مجازات شدید است، شدت یابد و هرگاه مصلحت جامعه اعمال مجازات کمتر را اقتضا کند، تخفیف یابد. این امر با تعبیه تعزیر در فقه کیفری اسلامی تأمین گردیده است.

اصل چهارم: تأدیپ مجرم نیز از اهداف مجازات در اسلام به شمار می‌رود، ولی تأدیپ برخلاف آنچه در برخی از نظریه‌ها اظهار شده است، هرگز به معنی انتقام نیست و تأدیپ در اشخاص مختلف، اشکال گوناگونی پیدا می‌کند، برخی نیازمند تأدیپ شدیدتر و برخی نیازمند تأدیپ ضعیف‌تر هستند. می‌توان گفت از این رو تعیین میزان تعزیر بر عهده قاضی نهاده شده است که هدف آن، بازداشتن است چنان‌که واژه تعزیر همچون حد به همین معناست و انسان‌ها دارای اوصاف و روحیه‌های متفاوتی هستند، ممکن است کسی با یک صدای بلند از ارتکاب جرم منع گردد و دیگری محتاج تازیانه باشد و بزهکاری نیز تنها با زندان از ارتکاب جرم بازداشته شود.

از مجموع بحث‌ها این نتیجه را می‌توان به دست داد مجازات‌ها در فقه اسلامی برای منافع عمومی، اصلاح افراد، بازداشتن مردم از ارتکاب جرم، حمایت از جامعه در برابر جرم و توانمند ساختن آن در دفاع از خود در مقابل بزهکاری، تشریح گردیده‌اند و هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تأمین مصلحت جامعه تجاوز نمی‌کنند و این مقتضای عدالت است. آنچه مجازات در اسلام بر آن مبتنی است، عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه، از این رو اسلام شأن و شخصیت مجرم را نیز، جز در مواردی، مورد توجه قرار می‌دهد. ثانیاً: علی‌الاصول مجازات دارای مطلوبیت نفسی نیست و اگرچه در پاره‌ای از جرائم مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است، ولی راه‌های اثبات جرم تقریباً بسته به نظر می‌رسد. تعبیه نهاد ارزشمند توبه و نیز اعمال وسیع قاعده دراء و دفع مجازات با ظهور کمترین شبه‌ای، همین معنا را به اثبات می‌رساند.

میزان بازدارندگی و امکان حذف مجازات سالب حیات از دیدگاه قانون‌گذار، فقها

مجازات اعدام همیشه یکسان اعمال نشده و بسته به تهدیدات خارجی و اوضاع داخلی کم و زیاد بوده است. کمترین مقدار آن در زمان جمهوری روم (به‌ویژه بعد از شکست کارتاژها بود). در این زمان جامعه وضع نسبتاً متعادلی داشت و دست‌کم شهروندان روم به ندرت اعدام می‌شدند؛ اما قیصرها به تدریج، مجازات اعدام را وسیله‌ای برای حکومت دیدند و برای حفظ قدرت به آن متوسل شدند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت ترس از مجازات اعدام نمی‌تواند در جلوگیری از ارتکاب جرائم مؤثر واقع شود.

در اینجا، جا دارد با توجه به مطالب پیش‌گفته تکلیف جرائم مواد مخدری نیز مقداری روشن شود. از زمانی که قانون مبارزه با مواد مخدر در آبان ماه سال ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت تصویب شد و به اجرا درآمد، افراد زیادی به اتهام ارتکاب جرائم موضوع این قانون، به مجازات اعدام محکوم شده‌اند و سال به سال نیز بر آمار محکومان به اعدام افزوده می‌شود. باین حال تجربه سالیان گذشته ثابت کرده است که مجازات اعدام، فاقد ویژگی بازدارندگی بوده و منافع حاصل از ارتکاب این جرائم آن‌چنان وسوسه‌انگیز است که افرادی که قصد ارتکاب این دست از جرائم را دارند، در موازنه بین مجازات احتمالی و منافع حاصل از جرم، مسیر ارتکاب جرم را در پیش می‌گیرند.

درواقع درست است که از منظر کلی، هرچقدر که میزان هزینه‌های ارتکاب یک جرم افزایش پیدا کند، ضمانت‌های پیشگیری و کاهش تکرار آن نیز باید افزایش یابد، اما به نظر می‌رسد که این معادله در مورد جرائم مخدر قابل اعمال نبوده است. تعداد اعدام‌ها در کشور ما که عمدتاً ناشی از محکومیت افراد به اتهام ارتکاب جرائم مواد مخدر است، باعث هجمه‌های زیادی به نظام در طول سالیان گذشته در عرصه‌های بین‌المللی شده افزود: وقتی می‌توان در مورد خرده‌فروشان و دست‌های رده چندم جرائم مواد مخدر در سلسله‌مراتب تولید، حمل و توزیع و فروش از مجازات‌های جایگزین اعدام مانند حبس‌های طولی، بدون امکان استفاده از تأسیساتی مانند عفو و آزادی مشروط که حتمیت مجازات را تضمین می‌کند، استفاده کرد و تجربه نیز ثابت کرده است که مجازات اعدام، حداقل در مورد این دست از افراد کارگر نخواهد افتاد، لزومی به اعمال مجازات اعدام در مورد بسیاری از متهمین جرائم مواد مخدر نخواهد بود.

اگر روند اعدام قاچاقچیان و فروشندگان خرده پای مواد مخدر، با اصلاح قانون متوقف شود، از آمار اعدام در کشور ما به شدت کاسته خواهد شد به‌خصوص اگر توجه داشته باشیم که بسیاری از افرادی که با حذف مجازات اعدام از مرگ رهایی می‌یابند، کسانی هستند که خودشان، قربانی و بزه‌دیده جرائم مواد مخدر هستند و اعدام آن‌ها تأثیری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و شبکه‌های توزیع عمده و اصلی ندارد.

با توجه به اینکه ایران مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا و کشورهای غربی است و قابلیت لازم برای ورود، ترانزیت و حمل مواد مخدر را دارد و تا زمانی که این مسیرها مسدود نشود و یا چاره دیگری اندیشیده نشود، نباید انتظار کاهش میزان جرائم مواد مخدر را داشت، بسیاری از قاچاقچیان به قصد انتقال و جابجایی مواد مخدر، مبادرت به ورود مواد مخدر به کشور می‌کنند که بسیاری از آن‌ها توسط مراجع ذی‌ربط شناسایی و دستگیر می‌شوند و در نهایت در دادگاه‌های ایران محاکمه و به مجازات مرگ محکوم می‌شوند که البته همین امر نیز بر افزایش تعداد اعدام‌ها در کشور اثرگذار است.^۱

^۱ - شرق، شماره‌ی ۱۳۰۶، شنبه ۱۳۹۰/۵/۸.

قاتلان حرفه‌ای یا تبهکاران در خاطرات خود عنوان می‌کنند که کشتن نخستین فرد برای آنان دشوار بوده اما پس از آن به راحتی آب خوردن افراد بعدی را به قتل رسانده‌اند؛ بنابراین، به عنوان مثال، دیدن صحنه جان دادن افراد شاید نخستین بار آزاردهنده باشد اما در مراتب بعدی به دلیل تقویت روحیه خشونت، دیدن این صحنه‌ها حتی جنبه سرگرمی نیز خواهد داشت. به گفته وی، اجرای صحنه اعدام مقابل چشمان کودکان، به طور قطع باعث تربیت و زایش قاتلان و تبهکاران در آینده خواهد شد.

جامعه‌شناسان، حقوقدانان و فعالان مدنی در سال‌های اخیر، برای کاهش مجازات اعدام، جایگزینی مجازات‌های مناسب‌تر و پایان اعدام در ملأعام بسیار تلاش کرده‌اند.

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی که بزهکاران و محکومین در زندان‌ها نیز مسیر بازپروری را پیش نمی‌گیرند و محیط زندان نه تنها مفید شاید حتی مضر به حال بسیاری از مجرمین و محکومین باشد جایگزین کردن مجازات حبس به جای اعدام و مجازات سلب حیات نیز اثرگذار نخواهد بود. محکوم کردن مجرمین به حبس‌های طولانی مدت و حبس‌های ابد جز هزینه برای دولت و کشور نتیجه‌ای دربر نخواهد شد.

البته در خصوص مجرمین بالقوه و بسیار خطرناک با سوء سابقه‌های کیفری بسیار چاره‌ای جزء حبس و شاید اعدام نیست؛ اما در مورد مجرمین اتفاقی یا افرادی بدون سابقه مؤثر کیفری می‌توان از جایگزین‌های اجتماعی و حتی قانونی دیگری بهره جست.

به عنوان مثال کار در مراکز بازپروری، خدمات عمومی رایگان و با دستمزد، الزام به مراجعه به مددکاران و روانشناسان برای بهره‌گیری از مشاوره آن‌ها تا انگیزه‌ای برای محکومان شود تا به آغوش جامعه بازگردانده شوند.

نتیجه‌گیری

توجیه کیفر به هرگونه که باشد می‌تواند به عقلانی کردن اهداف و عادلانه کردن اجرای آن در جوامع بشری کمک کند. آن‌طور که می‌تواند راهی برای توجیه نظام‌اند کیفر به‌طور خاص و نظام کیفری به‌طور عام باشد. در خصوص بحث حاضر که امکان حذف مجازات سالب حیات نظر دارد به موجب شواهد تاریخی ثابت شده پیدایش فکر الغاء مجازات اعدام و یا استقرار آن همیشه تحت تأثیر وقایع و پیش‌آمدهای تاریخی و تحولات اجتماعی هر کشور قرار گرفته است. در تمام طول تاریخ جوامع بشری همیشه مجازات اعدام به عنوان یکی از شدیدترین تنبیهات قانونی برای تضمین نظم و انضباط و امنیت جامعه شناخته شده است. مجازات اعدام تنها مجازات‌های بدنی است که سیر ترقی و تمدن توانست آن را به‌طورکلی از صفحه قوانین جاریه کشورهای متمدن و پیشرفته محو و نابود سازد. از چند قرن پیش بین دانشمندان و فلاسفه و متخصصین حقوق جنایی راجع به الغاء این مجازات بحث و جدال موجود بوده است.

از مجموع بحث‌ها این نتیجه را می‌توان به دست داد مجازات‌ها در فقه اسلامی برای منافع عمومی، اصلاح افراد، بازداشتن مردم از ارتکاب جرم، حمایت از جامعه در برابر جرم و توانمند ساختن آن در دفاع از خود در مقابل بزهکاری، تشریح گردیده‌اند و هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تأمین مصلحت جامعه تجاوز نمی‌کنند و این مقتضای عدالت است. آنچه مجازات در اسلام بر آن مبتنی است، عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه، از این رو اسلام شأن و شخصیت مجرم را نیز، جز در مواردی، مورد توجه قرار می‌دهد. ثانیاً: علی‌الاصول مجازات دارای مطلوبیت نفسی نیست و اگرچه در

پارهای از جرائم مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است، ولی راه‌های اثبات جرم تقریباً بسته به نظر می‌رسد. تعبیه نهاد ارزشمند توبه و نیز اعمال وسیع قاعده دراء و دفع مجازات با ظهور کمترین شبه‌ای، همین معنا را به اثبات می‌رساند.

مجازات اعدام آن‌طور که باید، نتوانسته است در مهار جرم نقش بازدارندگی داشته باشد. با معدوم کردن مجرم بدون تلاش در از بین بردن علل و عوامل جرم در ارتکاب جرائم و جنایات تخفیفی پیدا نمی‌شود. تجربه‌ی همی قرون نشان داده است، کیفر اعدام هرگز مردمانی را که مصمم به آسیب رساندن به فرد و جامعه بودند، منصرف نکرده است. اگر این مقدمه محرز بود که با اجرای مجازات اعدام، جرائم و جنایات تخفیف پیدا می‌کند ممکن بود ضروری بودن مجازات اعدام تصدیق شود. چیزی که محقق است، این است که تا به حال نتوانسته‌اند ثابت کنند که مجازات اعدام مؤثرترین مجازاتی است که خاطی را به وحشت خواهد انداخت (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۹).



۱. قرآن کریم.
۲. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲.
۳. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: میزان.

۴. الصابونی، محمدعلی، (۱۹۸۶)، روائح البیان، تفسیر آیات الاحکام من القرآن، لبنان، بیروت.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۴) ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. خویی، آیت‌الله سید ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، مبانی تکمله المنهاج، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۸)، لغت‌نامه جلد ۴۳، تهران: چاپ سیروس.
۹. رضایی، مهرآیین، (۱۳۹۶)، نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در الغای مجازات اعدام با تأکید بر سازمان‌های عفو بین‌الملل، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۰. ساولانی، اسماعیل، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۱۱. سمیعی، حسین، (۱۳۲۵)، حقوق جزا، تهران: چاپخانه مجلس.
۱۲. شمس‌ناتری، محمد، (۱۳۷۸)، بررسی مجازات اعدام، تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. صالحی، فاضل، (۱۳۷۶)، دیه یا مجازات مالی، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. صانعی، پرویز، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: انتشارات بهنام.
۱۵. فیض، علی‌رضا، (۱۳۸۱)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، چاپ ششم، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
۱۶. قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۸۷)، فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام، مجله‌ی قضاوت، شماره‌ی ۲۵، صفحه ۴۸ تا ۵۲.
۱۷. موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۳)، تحریرالوسیله، جلد دوم و چهارم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۰۳ ه.ق)، تحریرالوسیله، جلد ۲، قم: دال‌الأنوار.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۲)، حقوق کیفری اختصاصی، (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
۲۰. نوربها، رضا، (۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز.
۲۱. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: سمت.
۲۳. پایگاه تخصصی مجلات: www.magiran.com.

24. www.gavanin.ir.

25. [Www.irna.ir/mews/826442](http://www.irna.ir/mews/826442).

26. <https://rasekhoon.net/article/show/742642/%D9%82%D8%AA%D9%84-%D8%B2%D9%85%DB%8C%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D9%86>.
27. www.radiofarda.com.
28. <https://t.me/Irnaresearch>.

